

طرح ژنوم انسانی و دیدگاه‌های استاد علامه جعفری

غلامرضا جعفری

یکی از مهم‌ترین مباحث انسان‌شناسی معاصر، طرح ژنوم انسانی می‌باشد. طرح ژنوم انسانی به صورت خیلی خلاصه به صورت زیر می‌باشد:

پروژه ژنوم انسانی^۱

پروژه‌ای است که با هدف تعیین تمامی ژن‌های موجود در DNA انسانی (تقریباً سی هزار ژن)، تعیین توالی ۳ میلیارد جفت باز تشکیل دهنده‌ی DNA انسانی، ذخیره‌ی اطلاعات به دست آمده در بانک‌های اطلاعات، توسعه‌ی روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، و گردآوری مباحث اخلاقی، قانونی و اجتماعی مرتبط با پروژه، به طور رسمی از سال ۱۹۹۰ آغاز شد و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۰۳ (۲ سال زودتر از برآوردهای اولیه) به اهداف مورد نظر دست یابد.

همانند سازی (کلونینگ)^۲

اصطلاحی است که در موارد متعدد که نسخه‌های دقیقاً یکسان از یک مولکول، سلول یا ارگانیسم تهیه می‌شود، به کار می‌رود. تکنولوژی همانندسازی کل ارگانیسم، در سال ۱۹۹۷، توسط پروفسور ویلموت و همکاران وی از مؤسسه‌ی تحقیقاتی راسلین اسکاتلند معرفی شده است. بر پایه‌ی این تکنولوژی، می‌توان هسته‌ی سلول‌های تمایز یافته را به حالت اولیه و تمایز نیافته هسته‌ی سلول تخم برگرداند و با تزریق آن به یک سلول تخمک فاقد هسته، تکثیر اولیه در شرایط آزمایشگاهی و کاشت جنین در رحم، ارگانیسم جدیدی که از نظر اطلاعات ژنتیکی موجود در هسته، دقیقاً با ارگانیسم اول، یکسان باشد، به دست آورد.

پروفسور ویلموت و همکاران، این تکنولوژی را در همانند سازی گوسفند به کار گرفته و پس از ۲۰۰ تجربه‌ی ناموفق، سرانجام موفق به تولید بره «همانند» شدند. از آن زمان، این تکنولوژی در مورد بعضی از پستانداران دیگر، با موفقیت به کار گرفته شد، ولی هنوز همانند سازی انسان، با موانع شدید قانونی روبه‌رو است.

پیچیدگی علمی این طرح اساساً قابل مقایسه با هیچ یک از واقعیت‌های علمی تاریخ معاصر نمی‌باشد و همین موضوع، تئوری «پایان سرزمین علم و دانش» را در اذهان مطرح می‌کند. در تشابهی تخمینی و گذرا طرح ژنوم انسانی را تنها با مقولاتی چون سفرهای فضایی انسان به ماه و کرات دیگر و از سوی دیگر کشف لیزر و ماهواره‌های محیرالعقول ارتباطی می‌توان مقایسه کرد که انتهای دانش را به ما نشان می‌دهند.

آری، ما همان‌گونه که از لحاظ خبری در عصر اطلاعات و ارتباطات به سر می‌بریم، از لحاظ علم و تکنولوژی نیز در عصر «فرادانش» و «فوق صنعت» به سر می‌بریم و این در حقیقت تکرار تراژدی گردش اطلاعات و تبلور ابهام انگاره‌های اطلاعاتی است.

در این میان، تفاوت کلان و فاحشی که طرح ژنوم انسانی با سایر کشفیات عظیم دارد در این نکته نهفته است که این طرح - در واقع - صعودی بی مقدمه است به بالاترین قله؛ انسان و شامخ‌ترین بعد صفحه‌ی هستی و خلقت.

بدون شک، حس کنجکاوی یکی از جدی‌ترین و اصیل‌ترین احساسات روانی و اجتماعی انسان به‌شمار می‌رود که تردید و تشکیک در آن، یا به انکار واقعیت شناخت انسان منجر می‌گردد و یا تحریف آشکار موجودیت بارزی که انسان در طول تاریخ حیات از خود به نمایش گذاشته است. بدین ترتیب، بنی نوع بشر با دارا بودن سلاح همیشه گرم جستجو و کاوش به نبرد طبیعت رفته و توأم با ستیزه‌هایی پیگیر و بی‌امان، پرچم حضور و پیروزی را بر درفش قله‌های هستی افراشته است. در تمام مناظر باقی مانده از گلاویزی انسان و طبیعت برای تنظیم زندگی، به نشانه‌ها و علامت‌های واضحی برمی‌خوریم که از کاربرد گسترده‌ی سلاح جستجو خبر داده و تقارن شگفت‌انگیز - و احياناً تفکیک‌ناپذیر - «انسان و تکاپو» را روایت می‌کنند. کشف آتش، استفاده‌های متنوع از سنگ، استخدام آهن، تدوین نظام کشاورزی و به‌کار گرفتن حیوانات در ابعاد گوناگون غذایی و کاری بیش از آن که دلیل ضعف و ناتوانی رقیب طبیعت باشد، حق این است که در توجهی دقیق معلول انسان و سلاح خستگی‌ناپذیر و سرسخت وی بوده است.

با استناد به مسلمات تاریخ باید اذعان کرد که پرنده‌ی تمدن زمانی شکل گرفت و نمود یافت که بال کندوکاو و تفحص در تن انسان روئید و قطعاً به دنبال پیوند انسان و جستجو بود که پیشرفت‌های انسان محقق شده و تمام سنگرهای اصلی و فرعی نظام خلقت به تسخیر انسان درآمده است که هر انسانی به فراخور دانسته‌های خود، اطلاعات و معلوماتی از این سیر و تکاپو دارد.

پرونده‌ی اختراعات و اکتشافات بشری در حافظه‌ی خود ارقام بی‌شماری از یافته‌های کوچک

و بزرگ را به یاد دارد که حصول بعضی از آن‌ها تصادفی و به تعبیر دیگر، لحظه‌ای و ناخودآگاه بوده است. اما بی شک این تمام ماجرا نیست و به نسبتی بالاتر، این همت و تلاش انسانی بوده است که برگ‌های زرین رشد دانش و فناوری را رقم زده است. تحولات شگفت‌آوری که در حیطه‌ی علوم تجربی و قلمرو زیست، فیزیک، شیمی، فیزیولوژی و بیولوژی صورت گرفته است، بی هیچ مبالغه و گزافه‌گویی، معادلات علمی و زیستی را بر هم زده است. به‌عنوان نمونه، باید از فناوری ترقی‌های اتمی یاد کرد که علاوه بر شکافتن دل ذرات غیر قابل رؤیت، جهان سبز هستی و مهمانکده‌ی طبیعت را به کوره‌ای سوزان و پر حرارت تبدیل نموده و نظام (سیستم) محیط زیست طبیعی را با وضعیتی غیر قابل تحمل مواجه کرده است.

این جاست که روی دوم سکه‌ی فناوری و صنعت و دانش هویدا می‌شود و پیشرفت و پیامدهای اجتناب‌ناپذیر خویش بر اکوسیستم را در هاله‌ای از ناباوری‌ها ظاهر می‌سازد. این پیامدهای اجتناب‌ناپذیر که در قلمرو فراتر از کتاب و آزمایشگاه و مغز متخصصین؛ در آسمان شهرهای بزرگ صنعتی قابل درک و رؤیت است، حجم انبوهی از آسیب‌های ویرانگر را از لابه‌لای غرّش‌های مداوم ماشین‌های غول پیکر پس می‌دهد که فهرست اجمالی آن، امنیت مغزی بشر را در هم ریخته و زندگی را برای او مجموعه‌ای از دود و صدا و آشفستگی تصویر کرده است که شرح و بسط آن مجال فراخ‌تری می‌طلبد.

تجربیات تلخ و جانسوزی که در مسیر ترقی‌های مربوط به دانش فیزیک و از کانال تسلیحات میکروبی و اتمی عاید جوامع بشری شده است، تنها یک نمونه از ماجرای دنباله دار انحراف علم و اندیشه است و بی تردید، کسانی که تعمقی در مطالعات اجتماعی و سیاسی دارند، مطلعند که چگونه پیشرفت‌های بزرگ علمی و ساماندهی‌های تکنیکی، به آفت جان بشر تبدیل شده و راندمان زندگی وی را که بی‌تعدلی‌های عمیقی به‌وجود آورده است، با خطر و بی‌امنیتی تهدید می‌کند....

اکنون سخن بر سر طرح ژنوم انسانی است. طرحی که بی‌گمان محصول زیاده‌خواهی‌های فکری بشر بوده و دست کم از فقدان دلیل موجه و اساسی رنج می‌برد:

«لوازم و مختصات و نتایج پدیده‌ی همانندسازی – آن‌چنان‌که باید - مشخص

نشده است، و قطعاً باید درباره‌ی این امور تحقیقات دامنه‌داری شروع شود.»^۳

این نه تنها نظر علامه جعفری، بلکه دیدگاه خیل انبوهی از مطلعان و انسان‌شناسان معاصر است. استاد زیست‌شناسی دانشگاه پرینستون؛ پروفیسور سیلور در اظهار نظری رسمی و آشکارا از اشتباه بودن این تکنولوژی سخن می‌گوید:

«به‌عقیده‌ی من، این عمل نیز مثل معامله کردن اعضای بدن انسان برای عمل

پیوند، اشتباه است.

مسئله این است که با روش همانندسازی، تمام انسان کپی نمی‌شود و فقط مقدار کمی

از مشخصات انسان کپی می‌شود. بعضی از دانشمندان عقیده دارند که به این دلیل،

این روش می‌تواند عوارض جانبی بدی داشته باشد. به عقیده‌ی من، با وارد شدن این روش و روش‌های انتقالات تکنولوژی ژن‌ها، جامعه‌ی آینده (آمریکا) به دودسته با حق ویژه و معمولی تقسیم خواهد شد^۴»

موضوع مهمی که تحرکات مربوط به دانش ژنوم را در ابهام غوطه ور ساخته و کلیت آن را به شدت مبهم جلوه‌گر می‌سازد، مبانی فکری و پیش‌زمینه‌های سوداگرانه‌ی آن می‌باشد؛ به این معنا که تکنولوژی همانندسازی انسان علی‌رغم تمام هزینه‌های گزاف و آزمایشگاه‌های پیچیده‌ی خود پاسخی به هیچ سؤال و مشکل اصلی و طبیعی نبوده و در عبارتی صریح و شفاف، بازی با بزرگ‌ترین و جدی‌ترین مظهر حیات محسوب می‌گردد و چنین می‌شود که این طرح به فرض ثبوت و انتاج، هیچ ثمره‌ی عملی در زندگی انسان برجای نخواهد گذاشت. از این موضوع که بگذریم، به لوازم همانندسازی می‌رسیم. متأسفانه در این طرح جهانی یک سؤال مهم فراموش شده است و آن بررسی چرایی ژنوم است. تا زمانی که هدف غایی این طرح به صورت مستدل و برهانی مشخص نشود، این طرح را باید یکی از اسباب تشدید بحران هویت تلقی کرد که از اختلاط اصول با فروع ناشی شده است. بنابراین، هم‌چنان متفکر گرانسنگ استاد علامه جعفری نیز خاطرنشان کرده است که متفکران و صاحب‌نظران باید با هوشیاری تمام، عواقب چنین طرح‌هایی را متذکر گردند:

«... بر علما و اهل فن نیز ضروری است تا در مورد نظریات و تحقیقات جدیدی که در دنیا مطرح می‌شوند، مطالعه کرده و نظریات خود را اعلام دارند تا جامعه‌ی ما دفعتاً غافلگیر نتایج منفی و مثبت آن‌ها نشود»^۵.

استاد علامه جعفری نخستین فقیه اسلامی و شیعی است که به صورت مفصل و به تأمل در جوانب گوناگون طرح ژنوم پرداخته و با نگاه و زاویه‌ای کاملاً باز و علمی به تحلیل و ارزیابی این پدیده‌ی نوظهور پرداخته است. زمانی که اعلامیه‌ی جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر در سال ۱۹۹۷ میلادی در بیست و نهمین نشست عمومی یونسکو - به ریاست فدریکو مایور - به تصویب رسید، سازمان یادشده جزوه‌ی مربوط به ژنوم انسانی را در اختیار استاد گذاشت تا به عنوان یک صاحب‌نظر مطلع، دیدگاه‌های خود را در خصوص مسائل این طرح اعلام داشته و به اظهار نظر رسمی بپردازد:

«مدتی قبل، سازمان یونسکو جزوه‌ی "اعلامیه‌ی جهانی ژنوم انسانی و حقوق بشر" را برای مطالعه به من ارائه کرد که با مطالعه و تحقیق درباره‌ی آن، نظرات خود را درباره‌ی این اعلامیه ابراز دارم. من نیز با وجود کسالت و مشکلات، وظیفه‌ی خود دانستم که از ابعاد اخلاقی و حقوقی و نظریات دانشمندان در مورد "حیات" به مطالعه پرداخته و تا آن‌جا که بتوانم، نظریات خود را در این مورد اظهار کنم...»^۶

آن‌چه یونسکو در اختیار استاد گذاشته بود، اوراقی شامل دو بخش بود:

الف - متن اعلامیه‌ی ژنوم - در بیست و پنج ماده -

ب- تعدادی سؤال علمی و تخصصی در خصوص ابعاد انسانی و اجتماعی ژنوم که توسط واحد پژوهش کمیسیون ملی یونسکو در ایران تدوین شده بود. در خصوص بخش اول و متن اعلامیه، استاد ضمن مطالعه‌ی دقیق مواد بیست و پنج‌گانه، از ابهامات موجود در این اعلامیه‌ی بین‌المللی ابراز شگفتی کرده و در ذیل هر یک از مواد و مندرجات بیانیه‌ی یونسکو، سؤالاتی اساسی و جدی مطرح می‌کند که بی‌گمان بدون پاسخ کامل و عملی به تمام جوانب آن‌ها، طرح ژنوم با شکست مواجه خواهد شد. آن‌چه استاد در زیر صفحه مواد اعلامیه‌ی همانندسازی نگاشته است، حاکی از دقت نظر منحصر به فردی است که آن علامه بزرگ همواره واجد آن بوده و با عینک ژرف کاوی به واقعیت‌ها می‌نگریست. در این قسمت به بخش‌هایی از یادداشت گران‌ارج استاد اشاره نموده و مقداری از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

ماده‌ی اول اعلامیه‌ی ژنوم انسانی چنین است: «ژنوم انسانی شالوده‌ی وحدت اساسی همه‌ی اعضای خانوادگی بشری و شناخت ذاتی و تنوع آن‌هاست. به مفهوم نمادین ژنوم انسانی میراث بشریت است.»

استاد با صراحت تمام از مبهم بودن ولین ماده پرده برداشته و بر مسائل ناپیدا و مکتوم انگشت دقت می‌نهد:

«علامه جعفری: آیا به معنای کلی آن مانند جنس حیوان که شامل همه‌ی افراد

بشری است، امری است تعقلی ذهنی؟

این ماده کاملاً مبهم است، زیرا شالوده‌ی وحدت اساسی همه‌ی اعضای خانوادگی بشری، ساختار ژنتیکی انسانی نیست. بشر با همین ساختار در طول تمامی قرون و اعصار بر ملاک خودخواهی [مگر اقلیت از افراد بشر] حرکت کرده و تاریخ خود را با خونابه نوشته است، اما مسأله‌ی حیثیت ذاتی انسان با وجود طرز تفکر تنازع در بقاء که هنوز در محافل علمی دنیا با کمال رسمیت مطرح می‌شود، احتیاج به اثبات دارد. هم چنین "میراث بشریت"؟ مبهم است.

از طرف دیگر، این نظریه از چند جهت مورد سؤال است:

- ۱- ژن‌ها به جهت تعلیم و تربیت‌ها و عوامل محیطی در معرض تغییر قرار می‌گیرند.
- ۲- تحولات شخصیتی‌ای که موجب دگرگونی سرنوشت می‌شود^۷... اگر طرح ژنوم و همانندسازی به طور رسمی شایع شود، آیا راه حلی برای حذف ویژگی‌های ژنتیکی امکان‌پذیر است^۸؟»

استاد علامه جعفری در امعان نظرات خویش بر اعلامیه‌ی جهانی ژنوم در ذیل ماده‌ی پنجم، کسب رضایت و اجازه‌ی شخص مورد ژنوم را مجوز این طرح ندانسته^۹ و سطور زیر را در رابطه با ماده‌ی دهم یادداشت می‌کند:

«رضایت و آزادی و اختیار مردم نمی‌تواند در اصل حکم حفظ هویت مؤثر باشد، زیرا اکثریت

بشر به اضافه‌ی این که در رضایت و آزادی و اختیار منطق واقعی، حیات را مخصوصاً در ارتباط آن با فوق طبیعت نمی‌دانند، در برابر منافع مادی و مقامی نیز همان منطق را زیر پا می‌گذارند.^{۱۰} با توجه به این که اشاره به تمام موارد و مطالب استاد در این قسمت میسر نیست، بنابر این صرفاً به چند نمونه‌ی کوچک اشاره کرده و می‌گذریم:

یادداشت استاد به ماده‌ی چهارده: «ماده‌ی مذکور تا اندازه‌ای مبهم است.»

یادداشت استاد به ماده‌ی پانزده: «آیا چنین چیزی ممکن است؟!»

یادداشت استاد به ماده‌ی شانزده: «فرهنگ‌های مختلف اقوام و ملل، مخصوصاً در مواردی که به تضاد بیانجامد، باید مورد دقت قرار بگیرد.»^{۱۱}

بر خلاف اختصار یادداشت‌های استاد در این قسمت، پاسخ‌های استاد به سؤالاتی که توسط واحد پژوهش کمیسیون یونسکو از ایشان به عمل آمده، مفصل و نسبتاً طولانی بوده و دارای توضیحاتی گسترده و چشمگیر است.

«رعب و وحشت اصلی بسیاری از جوامع از تحقیقات ژنوم انسانی چیست؟» این نخستین سؤالی است که از استاد علامه به عمل آمده است. جملات آغازین پاسخ استاد، مفهوم صریح و بی‌پرده‌ای را دربردارد و آن این که طرح ژنوم، ترسی چون ترس خودکشی را در ذهن‌ها تداعی می‌کند:

«پاسخ: اگر بخواهیم با یک جمله‌ی مختصر، علت رعب و وحشت مزبور را بیان

کنیم، می‌توانیم بگوییم: این همان ترس و وحشت جدی است که انسان در حالت

اعتدال مغزی و روانی از پدیده‌ی خودکشی احساس جدی می‌کند... اگر ایجاد

تغییر و تحول‌های ژنتیک در وجود انسانی... تجویز شود... این همان خودکشی

وقیحانه‌ای است که به اسقاط ارزش علم از درجه‌ی اعتبار نیز می‌انجامد... در

صورت ناتوانی از سوق دادن علوم و فن‌آوری (تکنولوژی) به سمت نیازهای

اساسی، همه‌ی پیشرفت‌های کنونی در زمینه‌ی علوم و فن‌آوری (تکنولوژی)

زیست از آن جمله "طرح ژنوم انسانی"، به نتایج زیانبار و غیر قابل جبران برای

آینده‌ی بشر منتهی خواهد گشت»^{۱۲}.

چیزی که هست این است که علامه جعفری با اجرا شدن بی‌ضابطه‌ی ژنوم به هیچ عنوان

موافق نبوده و چنین چیزی را تحت هیچ شرایطی مجاز نمی‌شمارد. در فرازی از پاسخ سؤال

نخست علامه در کلامی تعریض آلود، از کارشناسان طرح ژنوم می‌خواهد که با دست بردن

در ژن‌های انسان‌ها آن‌ها را ملزم به رعایت تعهد انسان کنند تا قانون و پیمان و نظم را

حداقل به صورت جبری مراعات کنند:

«توضیح این که، گردانندگان جوامع بشری، با ارائه‌ی کارنامه‌ی ننگین در زیر پا

گذاشتن هر گونه پیمان و تعهد و تعیین ضامن اجراء برای خودداری از اقدام بر

ضرر و خسارت جانی و مالی انسان‌ها در طول تاریخ، نمی‌توانند به‌وسیله‌ی

پیمان‌ها و تعهدها و غیر ذلک، مردم دنیا را به خویشستن داری آنان از سوء استفاده‌های مالی و نظامی و انواع سلطه‌هایی که با اجرای "طرح ژنوم انسانی" امکان‌پذیر است، قانع بسازند. لذا، به نظر می‌رسد نخستین کار که اقدام به آن در "طرح ژنوم انسانی" ضرورت دارد، این است که از راه دانش ژنتیک، تغییراتی در ژن‌ها ایجاد شود که انسان‌ها به طور جبر، قوانین و پیمان‌ها و تعهدها را مانند تارهای عنکبوت تلقی نکنند که تنها پشه‌ها و مگس‌ها را به تور می‌اندازد و در هر موقعی بخوانند آن‌ها را به سود خود نادیده می‌گیرند...^{۱۴}

بروز فاجعه‌ی اختلال بشری - در صورت عدم توانایی کنترل ژنوم - «جریان نژادپرستی و انقراض بعضی از نژادها»، «نابودی اخلاق والای انسانی»، «تضاد با اصول ادیان»، «امراض غیر قابل پیش‌بینی و اختلالات مغزی و روانی»، «فعالیت ویروس‌های مخرب»، «ابهام و نابودی شخصیت»، «سقوط انگشت‌نگاری و شناخت‌های ژنتیک»، «رواج فساد و جنایت در اثر تشابه افراد»، «سوء استفاده‌های سیاسی و هنری و روحانی» نمونه‌هایی از مواردی است که علامه جعفری با دقت نظر خویش برشمرده و بروز آن‌ها را در اثر نهادینه شدن ژنوم متذکر می‌شود و محتمل می‌داند^{۱۵}. بدین ترتیب، به عقیده استاد، ژنوم بیش از آن‌که مهندسی موجود زنده باشد، چیزی در مایه‌های «جوجه‌کشی» است با متدهایی دیگر! این عین تعبیر استاد است:

«نابر مطالبی که مطرح شد، عملیات ژنتیکی و مهندسی آن - در حقیقت - نوعی دستکاری در کانال‌های عبور پدیده‌ی حیات به صورتی ظریف‌تر و دقیق‌تر از جوجه‌کشی است، نه به وجود آوردن زندگی...»^{۱۶}

«برای پاسخ به این سؤال، لازم است که مقداری درباره‌ی پیچیدگی حیات و محدودیت دانش بشری از بزرگ‌ترین صاحب‌نظران علوم دوران معاصر، حقایقی را به دست بیاوریم، آن‌گاه ببینیم آیا می‌توان با این حقیقت اسرارآمیز و پراز میلیون‌ها مسأله و مشکلات حیات به عنوان علم، با ایجاد دگرگونی‌ها در راه هدف‌گیری‌های سودجویانه و خودخواهانه به بهانه‌ی علم، وارد میدان عمل شویم؟!»^{۱۷}

آن‌چه خواندید، سرآغاز پاسخ استاد علامه به سؤال دوم واحد پژوهش یونسکو می‌باشد: «آیا با موضع یونسکو برای محافظت از ژنوم انسانی موافقت؟ آیا برای پیشگیری از سوء استفاده‌های موجود راه حل خاصی را پیشنهاد می‌کنید؟ آیا وارد کردن تغییرات ژنتیکی در انسان، اگرچه موجب ورود آسیب و ضرر نباشد، جایز است؟»^{۱۸}

از آن‌جا که به نظر می‌رسد طرح همانند سازی انسان در مواردی منجر به این ضایعه‌ی بشر سوز می‌گردد که طراحان و دست‌اندرکاران این طرح حساس انسان را دست بسته تحویل علم نمایند تا زمام و اختیار مطلق او را حائز شده و تکلیف نهایی او را تعیین کند، استاد علامه جعفری «وسوسه‌ی جنون علم پرستی» را طی مثال‌هایی واضح مورد بسط و ارزیابی قرار می‌دهد تا معادله‌ی «تقدیم کورکورانه علم بر ذی علم» مبهم‌تر از این نماند: «... می‌توانیم با یک مثال ساده، علم را از تهمت ارتکاب و قبیح‌ترین جنایات که نابودی همه‌ی انسان‌ها با زجر آورترین شکنجه‌ها است نجات بدهیم. ۱- اگر برای

توسعه‌ی علم بتوانیم یک انسان کاملاً بی‌گناه را با زجر آو‌رت‌ترین شکنجه‌ها قطعه قطعه کنیم تا از دیدگاه علم یک پدیده‌ی ناشناخته را درباره‌ی انسانی که با سخت‌ترین شکنجه‌ها کشته می‌شود کشف کنیم!!! بدیهی است که عامل تجویز کشتن یک انسان با هدف‌گیری مذکور، می‌تواند مجوز کشتن میلیاردها انسان نیز بوده باشد!!!... آیا چنین امری صحیح است؟!۱۹»

علامه جعفری پس از آن‌که موارد متعددی از اعترافات بزرگان دانش و هستی‌شناختی مبنی بر عظمت و شگفتی حیات و کیهان بزرگ را به صورت خلاصه و مرتب می‌آورد و مجهول بودن ذره و کهکشان و ماده و حیات و آفرینش را از زبان جدی‌ترین و آگاه‌ترین دانشمندان تاریخ فیزیک و فلسفه با روایتی مستند خاطر نشان می‌کند، «بازی‌های خطرناک به بهانه‌ی توسعه‌ی علم» را به هیچ عنوان مصلحت‌ندانسته و دست‌ت‌منا به سوی پیش‌تازان بشری دراز می‌کند، تا...:

گمان نمی‌رود تا انسان یا وصف انسانیت وجود داشته باشد، با وجود این همه عظمت‌ها و اسرار شگفت‌انگیز درباره‌ی پدیده‌ی حیات و محدودیت دانش بشری که به مقداری از آن‌ها اشاره شد، و همه‌ی صاحب‌نظران علوم و فلسفه‌ها را در حیرت و احساس جدی در فوق‌طبیعی بودن جوهر حیات فرو برده است، بتوانند مورد بازی‌هایی به بهانه‌ی توسعه‌ی علم قرار داده و جیب سودپرستان را پر کرده و بر کمیت و کیفیت قدرت‌خواهان قدرتمند بیفزایند....

ای سیاستمداران پاکدل، ای پیش‌تازان و پیروان مذهب، ای حقوق‌دانان حق‌شناس و حق‌جو، ای فرهنگ‌سازان پیش‌رو، ای اخلاقیون وارسته، با مشاهده‌ی بی‌شرمی‌های مذکور، با سپردن اختیار هویت انسان‌ها به دست چند نفر شهرت‌خواه، خودپرست و سوداگر جان‌های آدمیان و ضد ارزش‌ها، چگونه با خدا و با وجدان خود رویاروی خواهید شد، مخصوصاً در آن موقع که به جای «سقراط»‌ها، «گاندی»‌ها، «سلمان»‌ها، «ابوذر»‌ها، «صدرالمتألهین»‌ها، «مولوی»‌ها، «اینشتین»‌ها و «ماکس پلانک»‌ها، با شامپانزه‌ها و گوریل‌ها و خوک‌ها، تاریخ خود را تنظیم کنید و خود را با این جمله‌ی شیطانی پلید تسلیت بدهید که: «ما در گذرگاه توسعه‌ی علم به این مرحله گام گذاشته‌ایم، زنده باد خود ما حمایت‌گران دانش!!!»۲۰

آیا با وارد کردن تغییر در ژن‌های انسانی به وسیله‌ی مهندسی ژنتیک، [و از بین بردن] عظمت‌های بشریت که با از دست دادن آن‌ها پوچی و سقوط در ناآگاهی و جبرها، نابودی او را اعلان خواهد کرد، پاسخی برای این قتل عام خواهیم داشت؟!... بنا بر این، پیمان عدم سوء استفاده از عملیات مهندسی ژنتیکی، نمی‌تواند موجب اطمینان جوامع بشری شود. آیا با سرگذشتی که بشر از خود نشان داده است، می‌توان اطمینان پیدا کرد که اگر همین بشر برای حُسن استفاده از عملیات ژنتیکی و وارد نکردن آسیب به شخصیت و استعداد‌های عالی بشری، تعهد و پیمان‌های شدید ببندد و سوگندها یاد کند، سپس به آنها عمل کند؟!۲۱»

استاد علامه جعفری در پاسخ خود به سؤال سوم به ابهام مفهوم «تکامل» انگشت می‌گذارد و این‌که اصولاً ژنتیک تکامل نیست، تنزل است:

سؤال سوم: به نظر شما آیا بشر حق دارد در امر تکامل دخالت داشته باشد، و اصولاً دخالت در امر ژنتیک تا چه حد باید باشد؟

پاسخ: با توجه به قضایای زیر، می‌توان به پاسخ سؤال سوم دست یافت:

با نظر به مجهول بودن حقیقت تکامل و تعریف نشدن آن تاکنون، تصرفات و دخالت بشر در یک هدف مبهمی خواهد بود، نه تکامل و نه در جریان تکامل... قضایایی مانند همانند سازی، و هرگونه عملیات ژنتیکی برای دگرگونی‌های نقص آور برای موجودیت بشری - چه در جنبه‌ی جسمانی و چه در جنبه‌ی روانی و اخلاقی آن - نه تنها کوشش و دخالت در امر تکامل نیست، بلکه تلاش برای تنزل دادن آن است...»^{۲۳}

این بود خلاصه‌ای از دیدگاه‌های استاد علامه جعفری در خصوص «طرح ژنوم انسانی» که در کتابی به همین نام به تفصیل مطرح گشته است. لازم به یادآوری است که ایشان از لحاظ فقهی نیز ژنوم را مورد توجه قرار داده و در چندین جای کتاب آن را در صورت پدید آوردن انحراف در مسیر خلقت، محکوم به حرمت دانسته‌اند:

«اگر تولید همانندسازی از طریق عمل در ژنوم انسانی موجب به وجود آمدن انحرافات در خلقت اصلی انسان‌ها و کارهای غیر قانونی بوده باشد - چنان‌که نمونه‌ای از آن‌ها را ذیلاً مطرح می‌کنیم - قطعاً ممنوع و حرمت آن شدید است...»^{۲۴}

«بدیهی است که آزاد گذاشتن فعالیت‌های طرح ژنوم در این نوع موارد، مصداق شاخص وارد کردن ضرر و آسیب بر محیط زندگی مخصوصاً به جانداران است که در غیر صورت مودی بودن، دارای حقوقی الزام آور در دین اسلام می‌باشد، و اگر عملیات ژنتیک موجب ورود آسیب و ضرر بر جنبه‌ی جسمانی و یا مغزی و روانی انسان باشد، ممنوعیت آن قطعی است...»^{۲۵}

سرانجام باید به قاطعیت علمی و انسانی استاد علامه اشاره کنیم که پس از تمام آن‌چه گذشت، در خطابی رسا و جهانی، تمام آزاداندیشان و آگاهانی را که در ریف انسانی دولتی و انسان‌شناسی رتبه‌ای را حائزند به استمداد می‌طلبد و با بانگی پرشور و جانفزا، لزوم دفاع از مرزهای نفوذپذیر اصالت انسانی را چنین متذکر می‌شود:

«مهار کردن فعالیت‌های متنوع در ژنوم انسانی از هر شخص و مقامی، در صورتی‌که منشأ دگرگونی‌ها در هویت انسان سالم و دارای اعتدال عضوی و مغزی و روانی بوده باشد، ضروری و واجب است. ضرورت کنترل در کاوش‌ها و بررسی‌های ژنوم انسانی، با نظر به خطر بزرگی که در صورت آزادی مطلق در آن عملیات در انتظار جامعه‌ی بشری است، قطعاً شدیدتر از کنترل و مهار سلاح‌های خطرناک مانند بمب‌های اتمی و شیمیایی و میکروبی می‌باشد. زیرا کار این‌گونه سلاح‌ها، جنایت به ابعاد مادی و فیزیکی انسان است و جراحات و اختلال و شکستن مرگزی کالبد مادی بشری بوده و کاری با هویت «جان»، «روان»، «من»، «شخصیت» و «هویت انسانی» او ندارد، ولی اگر عملیات ژنوم انسانی کنترل نشود، انسان و انسانیت با تمام هویت‌های طبیعی و ارزشی و عظمت‌های مغزی و روحی در معرض نابودی قرار خواهد گرفت. لذا، باید همه‌ی مقامات روحانی، قانون‌گذاری، قضایی، طبی، انتظامی و دولت‌ها، با همه‌ی ارکان و نیروهایی که در اختیار دارند، کنترل این پدیده‌ی خطرناک را به دست بگیرند و با وضع اشد مجازات برای کسانی که از مهندسی و عملیات ژنتیکی برای وارد کردن تغییرات نامشروع در موجودیت مادی

و روحی انسان، سوء استفاده کنند، از این اعمال جنایتکارانه جلوگیری نمایند. همان طور که در مباحث گذشته گفتیم، بدیهی است که سودجویی بعضی از افراد بشر، هیچ گونه حدّ و مرزی ندارد و در این مسیر حاضرند به هر جرم و خطایی مرتکب شوند. لذا، برای جلوگیری سوء استفاده از طرح و عملیات ژنوم انسانی - همان گونه که بر هر فردی از مسلمان ها واجب است که از کشتن یک انسان ناتوان جلوگیری کند - همه ی افراد ملت به اضافه ی تمامی مقامات روحانی، قانون گذاری، قضایی و اجرایی در هر لباس و مقامی که باشند، با مراعات نظم جامعه در برابر این عامل نابودی هویت انسان مسؤول هستند. بدیهی است که برای جلوگیری از این جنایت و خیانت بر بشریت، نه تنها دولت ها برای ایجاد تشکیلات کاملاً دقیق و جدی مکلفند، بلکه همه ی آحاد ملت به طور دسته جمعی یا انفرادی، موظف به برقرار نمودن تشکیلات منظم و کاملاً دقیق با هماهنگی دولت می باشند؛ همان گونه که همه ی دولت ها و ملت ها، با اتفاق نظر، مقابل پدیده ی برده داری و تجارت انسان ها مقاومت و مخالفت شدید نموده و مبارزه می کنند»^{۲۶}.

1. Human Genome

2. Cloning

۲. جعفری، محمد تقی، طرح ژنوم انسانی، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۲۰ و ۲۱.
۴. همان، صص ۱۰ - ۱۲.
۵. همان، ص ۱۸.
۶. همان، ص ۱۷.
۷. همان، صص ۲۸ و ۲۹.
۸. همان.
۹. همان، ص ۳۴.
۱۰. همان.
۱۱. همان، ص ۳۶.
۱۲. همان، ص ۴۳.
۱۳. همان، صص ۴۳ - ۴۵.
۱۴. همان، صص ۴۸ و ۴۹.
۱۵. همان، صص ۴۶ - ۵۲.
۱۶. همان، صص ۵۹ - ۶۰.
۱۷. همان، ۶۰.
۱۸. همان، صص ۵۴ و ۶۰.
۱۹. همان، صص ۴۶ و ۴۷.
۲۰. همان، صص ۸۴ - ۸۷.
۲۱. همان، صص ۸۴ - ۸۷.
۲۲. همان، ص ۸۹.
۲۳. همان، صص ۸۹ - ۹۱.
۲۴. همان، ص ۱۰۵.
۲۵. همان، ص ۱۹.
۲۶. همان، صص ۹۸ - ۱۰۰.

